پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۱ زمستان ۱۳۹۹

No.41 Winter 2021

۱-۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵

جایگاه معنوی حرم رضوی در دوره شاه‌طهماسب اول صفوی

➢ **محمود مهمان نواز:** استادیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، ایران

چکیده

شاه‌طهماسب، دومین شاه سلسله صفویه، به دلیل نوپایی حکومت نیازمند تثبیت جایگاه معنوی خویش در بین شیعیان بود. در این راستا توجه به نمادها و اماکن مقدس شیعی ازجمله حرم حضرت رضا(ع) در سیاست او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این پژوهش دربرگیرنده تحولاتی است که با محوریت حرم رضوی در دوره شاه‌طهماسب به وقوع پیوست و درصدد پاسخ به این پرسش می‌باشد که حرم رضوی در دوره شاه‌طهماسب از چه جایگاه معنوی و مذهبی برخوردار بود؟ با بررسی مؤلفه‌هایی همچون زیارت، توسل، نذورات، موقوفات و تدفین بزرگان در جوار حرم رضوی، می‌توان نسبت به‌جایگاه معنوی و مذهبی رفیع این مکان در دوران حکومت شاه‌طهماسب آگاهی یافت. به نظر می‌رسد علاوه بر جنبه‌های مذهبی و معنوی، به سبب آنکه حرم رضوی تنها حرم ائمه معصومین(ع) موجود در قلمرو شاه‌طهماسب بود، اعتبار ویژه‌ای در سیاست‌های این شاه داشته است. شاه و درباریان با استفاده از شیوه‌های مختلف در پی اثبات ارادت خود به این مرقد مطهر بوده‌اند. این پژوهش بر آن است تا به مواردی از قبیل جایگاه زیارت و توسل به امام رضا(ع)، موقوفات و نذورات حرم رضوی در این مقطع تاریخی، جایگاه حرم رضوی در میان حکومت‌های همسایه، نقش حرم رضوی در تصمیمات شاه‌طهماسب و درنهایت مدفونین در جوار حرم رضوی، بپردازد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزار اصلی این پژوهش داده‌های منابع تاریخی عصر صفوی می‌باشد و درنهایت بر پایهٔ یافته‌های حاصل از منابع استنتاج، تبیین و تحلیل به عمل آمده است.

واژگان کلیدی: شاه‌طهماسب اول، صفویان، مشهد، حرم رضوی، آستان قدس رضوی

Abstract

Shah Tahmaseb, the second Safavid king, due to the infancy of this government, needed to establish his spiritual position among the Shiites. The Razavi shrine had a prominent spiritual status among Muslims, especially Shiites. This study includes the developments and the changes taken place with the focus on the Razavi shrine in the period of Shah Tahmaseb. It seeks to answer the following question: How is it possible to describe and explain the spiritual and religious status of the Razavi shrine during this period? By examining components such as; Pilgrimage, recourse, vows, endowments, and burial of elders near the Razavi shrine it can better understand the high spiritual and religious status Of shrine during the reign of Shah Tahmaseb. In addition to religious and spiritual aspects And since Razavi shrine was the only shrine of the Imams in the realm of Shah Tahmaseb, it had a special validity in the policies of this king. The Shah and the courtiers have tried to prove their devotion to this holy shrine by resorting to various methods. This study aims to address the following issues: the place of pilgrimage and recourse to Imam Reza, endowments and vows of the Razavi shrine in this historical period, the position of the Razavi shrine among neighboring governments, the role of the Razavi shrine in the decisions of Shah Tahmaseb and Finally, the buried near the Razavi shrine. Research methodology is historical - analytical using library method to gather the data. Research materials are based on the historical sources of the Safavid era through the findings of sources of inference, explanation and analysis.

Keywords: Razavi shrine, Holy Mashhad, Shah Tahmaseb, Safavids, Astan Quds Razavi

*نویسنده مسئول مکاتبات: (mehmannavaz86@gmail.com)

مقدمه

خراسان از دیرباز سرزمینی مستعد جهت پذیرش افکار و اعتقادات شیعیان بود که این امر در دو قرن اول هجری بیشتر به سبب دوری از مرکز خلافت بود، به‌گونه‌ای که این مشخصه امکان دسترسی سریع و آسان خلفا را به مخالفان نمی‌داد. شیعیان به‌عنوان مخالفان اصلی و جدی خلافت (چه اموی و چه عباسی) برای در امان ماندن از آزار و اذیت خلفا و همچنین ساماندهی قیام بر ضد دستگاه خلافت، به مناطق دوردست ازجمله خراسان سفر کردند. با ورود امام رضا(ع) به خراسان، موج بیشتری از شیعیان و طرفداران اهل‌بیت(ع) روانه خراسان شدند. پس از شهادت امام رضا(ع) مرقد ایشان تبدیل به زیارتگاهی مهم در میان مسلمانان و خصوصاً شیعیان شد. در ادوار مختلف تاریخی مرقد امام رضا(ع) مورد احترام حاکمان (چه شیعه و چه غیرشیعه) قرار داشت. نخستین حکومتی که اهتمام جدی در توسعه حرم رضوی داشت، آل‌بویهٔ (۴۴۸-۳۲۲ق) شیعه‌مذهب بود. در این دوره، ظاهراً زیارت حرم رضوی نیز رواج بیشتری داشت. در دوره حکومت‌های سنی مذهب غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان نیز سلاطین این سلسله‌ها از توجه به حرم رضوی غافل نبودند. ظاهراً این حرم در دوره حمله مغولان با آسیب جدی مواجه شد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۳۵/۸). حکومت تیموریان بیشتر از سایر حکومت‌های سنی مذهب پیش از خود، در توسعه و توجه به حرم رضوی تلاش داشتند به‌گونه‌ای که در زمان شاهرخ (حک ۸۵۰-۸۰۷) به همت او و همسرش گوهرشادآغا آثار زیادی به مجموعه حرم اضافه شد که مهم‌ترین آن‌ها مسجد جامع گوهرشاد، رواق دارالحُفّاظ و دارالسَّیاده می‌باشند (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶). مسجد جامع گوهرشاد از شاهکارهای معماری آن دوره بود که ساخت آن تقریباً دوازده سال به طول انجامید (میرجعفری، ۱۳۸۷: ۱۳۰). در اواخر این سلسله و در زمان سلطان حسین بایقرا (حک ۹۱۲-۸۷۵ق) به همت وزیرش امیر علیشیر نوایی بخشی از صحن عتیق بنا گردید[1] (همان: ۱۳۱). تولیت حرم رضوی قبل از روی کار آمدن صفویان بیشتر بر عهده نقیبان بود که از سادات و علما بودند(سجادی، ۱۳۶۷: ۱۲۴/۱). در دوره سامانیان اداره حرم رضوی به سادات موسوی[2] واگذار گردید و آنان تا اواخر حکومت تیموریان اداره حرم و نقابت سادات را بر عهده داشتند (نقدی، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۰۹). از دیگر خاندان‌های مهم سادات در مشهد، سادات رضوی[3] بودند که در اواخر تیموریان نقابت سادات را در مشهد عهده‌دار و از اواخر دوره شاه‌طهماسب نیز تولیت آستان قدس را بر عهده گرفتند (حسن‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۲). ظهور صفویان شیعه‌مذهب، سبب گردید حرم رضوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و توجه بیش از پیش حاکمان را جلب نماید، زیرا حرم رضوی هم به سبب جنبه مشروعیت‌بخشی و هم‌جهت اشاعه و ترویج مذهب تشیع برای صفویان اهمیت داشت. بنابراین صفویان سعی نمودند تمام ارادت خود را به اهل‌بیت(ع) در قالب توجه به حرم رضوی نشان دهند. در میان شاهان صفوی، شاه‌طهماسب اول به دلیل موفقیت در تثبیت حکومت صفویان و همچنین طولانی‌ترین مدت پادشاهی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. او در منابع به‌عنوان مقیدترین شاه صفویان در امور مذهبی معرفی شده است. این پادشاه توجه ویژه‌ای به حرم رضوی داشت و به پیروی از او امرا و بزرگان نیز در توجه به حرم رضوی اهتمام جدی داشتند. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش که حرم رضوی در دوره شاه‌طهماسب اول از چه جایگاه معنوی و مذهبی برخوردار بود؟ که در این راستا سؤالات دیگری نیز مطرح می‌باشند: توجه شاه و درباریان نسبت به حرم رضوی در چه اقداماتی تبلوریافته است؟ زیارت، استمداد، نذورات و موقوفات در دوره شاه‌طهماسب به چه شیوه‌ای بود؟ و اینکه در دوره شاه‌طهماسب، حرم رضوی چه جایگاهی در میان امرا و شاهزادگان حکومت‌های همسایه داشت؟

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد تحولات معماری در حرم و آستان قدس پیش از صفویان، ر.ک: (مولوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۹-۳۲).

۲. برای اطلاع بیشتر در مورد سادات موسوی، ر.ک: (نقدی، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۰۹).

۳. برای اطلاع بیشتر در مورد سادات رضوی، ر.ک: (حسن‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱).

پیشینه پژوهش

در مورد حرم رضوی و جایگاه معنوی و مذهبی آن در دوره شاه‌طهماسب تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و عموماً دربرگیرنده کل دوره صفویه می‌باشد، چنانکه مطهری و نجفی‌نژاد در مقاله‌ای تحت عنوان *جایگاه حرم مطهر رضوی در سیاست مذهبی صفویان* به‌جایگاه حرم رضوی در کل دوره صفویه پرداخته‌اند و به مواردی از اهمیت جایگاه حرم رضوی در دوره شاه‌طهماسب اشاره داشته‌اند، اما به دلیل آنکه نویسندگان در پی بررسی جایگاه حرم رضوی در سیاست مذهبی صفویان در تمام این دوره تاریخی بوده‌اند، به طبع موارد مربوط به دوره شاه‌طهماسب خلاصه و به‌صورت گذرا به آن‌ها اشاره شده است. دو مقاله نیز با عناوین *بررسی تحلیلی جنبه‌های مصرف موقوفات آستان قدس رضوی در دوره صفویه* پژوهش حسن‌آبادی و *سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا*(ع) پژوهش طلایی به انجام رسیده است که مسئله موقوفات درمجموع دوره صفویه را مدنظر داشته‌اند. همچنین مقاله دهقانی با عنوان *پیوند معنوی پادشاهان صفوی با امام رضا*(ع) کل دوره صفویه را در برمی‌گیرد. علاوه بر این، جلالی در *ضریح شاه‌طهماسب* صرفاً به ارائه گزارش و بررسی از وضعیت ضریح حرم‌رضوی در دوره شاه‌طهماسب و دو کتیبه آن پرداخته است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی-تحلیلی است که در آن تلاش محقّق «بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به صورتی منظم و عینی ارائه کند» (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۵: ٦٦). به واقع این روش، تلاشی منسجم و منظم در مدارک و منابع تاریخیِ مرتبط با موضوع و سوال محقق بوده که اساسا رویکردی رو به گذشته دارد و به طور اخص متکی به منابع تاریخی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به شیوه‌ی کتابخانه‌ای انجام گرفته و از آغاز تا انجام متکی بر یافته‌های کتابخانه‌ای بوده است. ابزار و مواد اصلی این پژوهش، داده‌های منابع تاریخی عصر صفوی که همزمان با دوران حکومت شاه طهماسب و یا با فاصله زمانی کمتری از آن دوره نگاشته شده‌اند، می‌باشد. اگر مورخ بدون آگاهی و استفاده از منابع دست اول، قصد نگارش اثری تاریخی (به صورت مقاله یا کتاب) را داشته باشد دچار اشتباهاتی خواهد شد و نخواهد توانست به حقایق تاریخی دست یابد و تحقیق را از اعتبار علمی ساقط خواهد نمود. کمتر محققی به اندازه مورخ برای دستیابی به حقیقت به منابعش محدود است. با این وجود باید دقت نمود که نوشته‌های منابع دست اول همهٔ حقیقت نیستند. در این تحقیق مواردی که شواهد و دلایل معتبری برای پی بردن به درستی آن‌ها وجود داشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند و سعی شده است داده-هایی که به زعم محقق با واقعیت‌های تاریخی در تضاد هستند، مورد نقد قرار گیرند. در این راستا ضمن بهره بردن از منابع تحقیقاتی، سعی شده از قوه تعقل و منطق نیز استفاده شود «هر مورخ فعال باید استلزامات داده های خود را تا حد امکان به صورت عقلانی بررسی کند» (مکالا، ۱۳۷۸: ۳۸). درنهایت بر پایهٔ یافته‌های حاصل از منابع استنتاج، تبیین و تحلیل به عمل آمده است.

معنویت و مؤلفه‌های آن

معنویات یکی از نیازهای مهم بشر می‌باشد که سبب ایجاد نوعی از آرامش در وجود انسان می‌شود. تعاریف زیادی از معنویت توسط محققان صورت گرفته است. ترول معنویت را جنبه‌ای از حیات فردی و جمعی می‌داند که بیانگر رابطه آگاهانه‌ای است که فرد در ارتباط با امر متعالی دارد (ترول، ۱۳۷۸: ۱٦۵). برزنونی معنویت را جنبه‌ای از حیات فردی و جمعی می‌داند که خودآگاه یا ناخودآگاه ارتباط ویژه‌ای با مبدأ هستی و روح حیات برقرار می‌کند (برزنونی، ۱۳۸۱: ۸۱). عبدلی سلطان احمدی و همکاران نیز سعی کرده‌اند تعریفی جامع از معنویت ارائه نمایند: «معنویت یعنی داشتن ارتباط باوجود متعالی، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای گذشتن از پیچ و خم‌های زندگی و تنظیم زندگی شخصی بر مبنای ارتباط باوجود متعالی و درک حضور دائمی در هستی معنادار، سازمان‌یافته و جهت‌دار الوهی. این بعد وجودی انسان، فطری و ذاتی است و با توجه به رشد و بالندگی انسان درنتیجه اجرای مناسک دینی و نیز برخی رفتارها متحول می‌شود و ارتقا می‌یابد موجد آثار فردی و اجتماعی فراوانی می‌شود» (عبدلی سلطان احمدی و همکاران،

۱۳۹۲: ۱۵). به هر روی معنویت یکی از نیازهای بشر می‌باشد که برخی این نیاز را در سه گروه طبقه‌بندی نموده‌اند: ۱. نیاز به باورهای مذهبی که می‌تواند شامل نیاز به درک حضور خداوند، هدف و معنا باشد. ۲. نیازهای رفتار مذهبی شامل نیاز به دعا و نیایش، انجام مناسک و عبادت و نیاز به شرکت در مراسم مذهبی. ۳. نیازهای حمایت اجتماعی شامل رفتن به معابد و نمازهای جماعت، نیاز به ملاقات رهبران مذهبی (شجاعی، ۱۳۸۶: ۹۴). علاوه بر این، انسان خود را همواره نیازمند یک نوع‌دوستی غیرمشروط و همچنین نیازمند سپاسگزار بودن می‌داند. دو مورد اخیر گرچه درباره همه انسان‌ها صادق می‌باشد اما به نظر می‌رسد شاهان به این دو مورد احساس نیاز بیشتری می‌کنند. درواقع تمام افرادی که در خدمت شاه هستند به‌نوعی دوستی آن‌ها غیرمشروط نبوده و ناشی از ترس و یا به امید پاداش بوده اما ارتباط گرفتن با نیروی ماورایی برای شاهی که همه با دلایلی خاص به او ابراز دوستی می‌نمایند، می‌تواند حسی رضایت‌بخش باشد. همچنین در موردنیاز به حس سپاسگزار بودن باید عنوان نمود که شاه اساساً خود را نیازمند و ملزم به سپاسگزاری از افراد زیردست خود نمی‌داند و در واقع اعمال آن‌ها از نظر شاه در راستای انجام‌وظیفه می‌باشد؛ بنابراین شاه حس نیاز به سپاسگزار بودن را با سپاسگزاری از خداوند و ائمه معصومین و حضور در اماکن مقدس برآورده می‌کرد. برای نمونه می‌توان به زیارت حرم رضوی توسط شاه‌طهماسب به شکرانه پیروزی در نبرد جام اشاره نمود (خوزانی‌اصفهانی، ۱۳۹۸: ۹۷/۲).

به هر روی عقیده دینی مبنی بر آنکه خداوند تأمین‌کننده نیازهای انسان می‌باشد و باورهای خاص شیعی مبنی بر واسطه بودن ائمه معصومین(ع) میان خداوند و انسان، سبب شده تا انسان‌ها (در تحقیق حاضر شیعیان) برای تأمین نیازهای معنوی خویش به واسطه‌های میان خداوند و خویش مراجعه کنند. زیارت مشاهد متبرکه که همراه با دعا، توسل و اهدای موقوفات و نذورات بوده، در راستای تأمین نیازهای معنوی و روحی بوده و این امر مختص گروه و یا طبقه‌ای خاص نبوده و حتی شاه (در دوره تاریخی موردبحث) به‌عنوان رأس هرم جامعه در این امر سعی بلیغ می‌نمود. مهم‌ترین مؤلفه‌های معنوی عبارت‌اند از: اعتقاد به حکمت الهی، اعتقاد به خیرخواهی خداوند برای بنده، تأثیر عمل خوب و بد بر کامیابی‌ها و ناکامی‌ها (مانند تأثیر توبه‌های شاه‌طهماسب بر روند موفقیت‌های وی از نظر شاه)، آخرت‌گرایی (مانند به خاک سپردن مردگان در جوار حرم رضوی و یا اهدای نذورات و موقوفات به‌عنوان توشه آخرت)، توکل و توسل، امید یعنی امیدواری به یاری خداوند در موقعیت‌های حساس و مشکل(مانند امیدواری شاه‌طهماسب اول به کمک‌های معنوی امام هشتم در نبردها به خصوص در موقعیت دشوار نبرد جام و یا امید داشتن همایون گورکانی به یاری امام رضا(ع) برای بازپس‌گیری تاج و تخت هند). به هر روی معنویت و امور معنوی ناظر بر درون بوده و نوعی رضایتمندی بوده که باعث شادی درونی می‌شود.

زیارت حرم رضوی، توسل و استمداد از امام رضا(ع) جهت گشایش در امور

زیارت اماکن مقدس می‌تواند هم جنبه تسکین‌دهنده برای زائران و هم نشان‌دهنده خلوص نیت افراد نسبت به مکان مورد زیارت داشته باشد. در تاریخ ایران قبل از صفویان، حرم امام هشتم شیعیان همواره مکانی برای زیارت بوده و این امر صرفاً مختص به شیعیان نبوده و آنجا زیارتگاهی برای همه مسلمانان بوده است. علاوه بر مردم عادی، امرا، حاکمان و بزرگان نیز به این مکان مقدس ارادت خاصی داشته‌اند که می‌توان موارد متعددی از زیارت آنجا توسط حاکمان غیرشیعی را عنوان نمود. به‌طور نمونه می‌توان به زیارت مقبره امام رضا(ع) توسط سلطان محمد خوارزمشاه در هنگام حمله مغولان به ایران (بیانی، ۱۳۸۲: ۴۰) و یا توجه و زیارت بارگاه امام رضا(ع) توسط امرای تیموری اشاره نمود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۶۰۲/۳؛ میرجعفری، ۱۳۸۷: ٦۱). با روی کار آمدن صفویان و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران، زیارت مرقد امام رضا(ع) نسبت به گذشته شکل متفاوت‌تری به خود گرفت. در این روزگار شاهان صفوی بارها اقدام به زیارت حرم رضوی کردند و این رویه توسط امرا و بزرگان کشور نیز تکرار می‌شد. هدف شاهان صفوی از زیارت حرم رضوی علاوه بر مسائل اعتقادی، ترویج و اشاعه مذهب تشیع نیز می‌توانست باشد. شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۰۷ق) مؤسس صفویان اولین شاه از سلسله صفویان می‌باشد که اقدام به

زیارت حرم رضوی (۹۱۳ق) نمود (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۷؛ طهرانی، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۲).

شاه‌طهماسب صفوی که در میان حاکمان صفوی به‌عنوان شاهی مذهبی و حتی متعصب در مذهب تشیع شناخته‌شده، ارادت خاصی نسبت به حرم رضوی و امام هشتم(ع) داشتند. او با زیارت‌های مکرر این ارادت را به نمایش گذاشت. طهماسب قبل از رسیدن به مقام شاهی، از سوی پدر حکومت خراسان را در اختیار داشت و شاید این امر در ارادت بیشتر وی به امام رضا(ع) نیز مؤثر بوده است. وی از آغازین روزهای حکومت تا پایان حیات خویش همواره نسبت به زیارت امام هشتم(ع) اهتمام داشتند. در ۹۳۵ق که پنج سال از حکومت شاه‌طهماسب می‌گذشت، به دلیل هجوم ازبکان به مناطق شرقی ایران وی راهی خراسان شد که درنهایت این سفر منجر به جنگ میان نیروهای صفوی و ازبک گردید. شاه قبل از عزیمت به جام در مشهد مقدس متوقف شد و به زیارت امام هشتم(ع) پرداختند (روملو، ۱۳۵۷: ۲۷۹؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۰۰؛ وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۴؛ حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۷۸؛ خوزانی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲/۸۱). این، اولین زیارت در دوران پادشاهی شاه طهماسب بود که در منابع ثبت شده است. در افضل‌التواریخ آمده است که شاه‌طهماسب در ۹۳۶ق به زیارت حرم رضوی رفت (خوزانی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲/ ۱۱۱)، اما این زیارت در سایر منابع این دوره بازتابی نداشته است. شاه‌طهماسب در ۹۳۹ق یکبار دیگر جهت مقابله با ازبکان راهی خراسان شد. او حسین‌خان شاملو، امیربیگ روملو و القاس‌میرزا (م ۹۵۷ق) برادرش را به جنگ با محمد سیف‌الملوک در غرجستان فرستاد و خود در مشهد مانده و مشغول زیارت شد (جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۲۰؛ غفاری‌قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۸۷؛ صفوی، ۱۳۴۳: ۲۲؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۱۴؛ خوزانی‌اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲/ ۱۵۴). شاه‌طهماسب در تذکره خود می‌نویسد: «من بطواف حضرت امام‌الثامن و الضامن ابوالحسن علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام رفته» (صفوی، ۱۳۴۳: ۲۳-۲۲). شاه‌طهماسب در ۹۴۳ ق یکبار دیگر جهت مقابله با ازبکان راهی شرق شد و در ضمن این سفر جنگی به زیارت حرم امام رضا(ع) پرداختند (ناشناس، ۱۳۷۰ :۴۷؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۵۹). در ادامه همین سفر بود که جهت رسیدگی به شورش سام‌میرزا (م ۹۷۴ق) راهی قندهار شده و پس از پیروزی، مجدداً متوجه زیارت حرم‌رضوی گشته و «چند روز در آن آستان فلک آشتیان قیام فرموده به عبادت، معتکفان آن آستانه را نوازش‌ها فرموده» (عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۸۸).

به تبعیت از توجهات مکرر شاه‌طهماسب به حرم رضوی و زیارت‌های متعدد وی، شاهزادگان و امرای صفوی نیز توجه خاصی به حرم رضوی نمودند و حرم امام رضا(ع) تبدیل به زیارتگاهی دائمی برای شاهزادگان و امرای صفوی عهد شاه‌طهماسب شده بود. زیارت بهرام‌میرزا (م ۹۵۶ق) برادر وفادار شاه‌طهماسب در ۹۴۲ق، پس از پیروزی بر عبدالعزیز ازبک(ناشناس، ۱۳۷۰: ۲۷). زیارت حرم رضوی توسط سلطانم خانم (م ۹۶۹ق) خواهر شاه‌طهماسب در ۹۵۶ق (عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۰۳) همچنین سام‌میرزا دیگر برادر شاه در ۹۶۴ق «به زیارت حضرت ثامن مفترض الطاعه واجب العصمه سلام‌الله‌علیه تشریف آوردند» (حسینی‌قمی،۱۳۸۳: ۱/ ۳۸۹) از مواردی هستند که خواهران و برادران شاه به زیارت حرم رضوی پرداخته‌اند. همچنین موارد متعددی از زیارت حرم رضوی توسط فرزندان شاه‌طهماسب وجود دارد، ازجمله چندین نوبت زیارت حرم‌رضوی توسط محمدمیرزا (سلطان محمد خدابنده آتی) در ۹۶۴ق (همان: ۱/ ۳۸۹-۳۸۴). ابراهیم‌میرزا (م ۹۸۴ق) فرزند بهرام‌میرزا که از سوی شاه حاکم مشهد شده بود نیز ازجمله شاهزادگانی بود که همواره به زیارت حرم رضوی می‌پرداخت. حسینی قمی درباره اولین زیارت ابراهیم‌میرزا چنین می‌نویسد: «شاهزاده کامکار با خیل لشکر بی‌شمار به در آن آستان و روضه جنان آمده متوجه حمام شاهی که در جنب قدمگاه حضرت امام رضا(ع) واقع است رفته و غسل زیارت فرموده لباس پاکیزه نمازی پوشیده، پیاده از آنجا احرام طواف آستان ملک مطاف بسته، از روی سکینه و وقار و تکرار صلوات و اذکار بدان مکان شریف و مشهد منیف داخل شدند» و به زیارت مشغول شدند(همان: ۱/ ۳۸۵-۳۸۴).

در مواردی زیارت امام رضا(ع) بهانه‌ای برای فرار از مسئولیت و یا امری بود. مدتی قبل از مرگ شاه‌طهماسب او دچار بیماری شد که «در اثنای بیماری دو مرتبه مرض اشتداد یافت مشرف بر این حال گردیدند» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۱۹)

در زمان مریضی گروه‌های مختلف برای به قدرت رساندن شاهزاده موردنظر خود به تکاپو افتادند. طایفه استاجلو برای به قدرت رساندن حیدرمیرزا (م ۹۸۴ق) فرزند شاه‌طهماسب، تلاش زیادی کردند. بعد از مدتی شاه بهبود یافت و انتظار می‌رفت طوایف خطاکار را به مجازات برساند، اما شاه برخورد قهرآمیزی انجام نداد ولی به‌صورت محترمانه‌ای اقدام به دور نمودن سران استاجلو از پایتخت نمود ازجمله: «مرادخان را به تسخیر قلعه کجور و پیری بیگ را به حکومت ری امر فرمودند» (حسینی‌استرآبادی، ۱۳٦٦: ۹۲) در همین اوان سلطان سلیم عثمانی (حک ۹۸۲-۹۷۴ق) از دنیا رفته و سلطان‌مراد (حک ۱۰۰۳-۹۸۲ق) به‌جای وی جلوس نمود. شاه‌طهماسب، حسین‌بیگ یوزباشی از بزرگان استاجلو را مأمور نمود که به عثمانی رفته و مرگ سلطان را تسلیت و روی کار آمدن سلطان جدید را تبریک گوید. امرای استاجلو و حسین‌بیگ که از نیت شاه آگاه بودند، عذر رفتن آورده و عنوان نمود «جهت صحت ذات مبارک اشرف نذر کرده‌ام که بزیارت امام ثامن بمشهد مقدس روم و چون بر عمر اعتمادی نیست امیدوارم که رخصت زیارت ارزانی دارند بدین بهانه در رفتن معذرت خواست نواب اشرف عذر پذیر گشته» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۲۱/۱) و جالب آنکه حسین‌بیگ که مرگ شاه را نزدیک می‌دید و ترس آن داشت در نبودش شاهزاده موردنظر به قدرت نرسد، راهی زیارت نشد و البته شاه‌طهماسب نیز واکنش خاصی به این امر نشان نداد (همان: ۱۲۱/۱). به هر روی زیارت‌های مکرر شاه‌طهماسب و شاهزادگان صفوی می‌توانست از جنبه‌های گوناگون حائز اهمیت باشد: ترویج و اشاعه شعائر مذهبی تشیع -ترویج خلوص نیت حاکمان صفوی نسبت به مذهب و امامان شیعه امامیه -رونق زیارت ائمه و خصوصاً امام رضا(ع) به دلیل توجه رهبران سیاسی به این امر (الناس علی دین ملوکهم)- بهبود وضعیت شهر مشهد از جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و غیره. توسل جستن و استمداد خواستن از مقابر مقدس یکی از راه‌ها جهت گشایش و موفقیت در امور می‌باشد. این امر می‌تواند یک نوع توسل و استمداد درونی بوده که نزدیک‌ترین افراد به شخص نیز از آن آگاهی نداشته باشند و یا می‌تواند به‌صورت آشکار باشد. در دوره شاه‌طهماسب، منابع مواردی را بیان نموده‌اند که شاه و بزرگان دربار صفوی برای موفقیت در امری خاص به امام رضا(ع) متوسل شده‌اند. به‌نوعی می‌توان ادعا نمود که توسل جستن آشکار توسط شاه و امرا می‌توانست جنبه اشاعه شعائر مذهبی نیز داشته و از این طریق به‌نوعی هم بر حقانیت ائمه شیعه تأکید شده باشد و هم ترویج دعا و توسل به امامان شیعه بوده باشد.

شاه‌طهماسب معمولاً مواقعی که برای اهداف نظامی، به مشهد می‌رفتند، جهت موفقیت در برابر دشمنان به امام رضا(ع) متوسل می‌شدند. منابع از استمداد شاه‌طهماسب از امام رضا(ع) در نبردها مطالبی ذکر کرده‌اند که در این بین بیشترین مطالب مختص جنگ جام می‌باشد. این نبرد به سبب آنکه اولین نبرد مهم دوران حکومت شاه‌طهماسب بوده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. شکست و یا پیروزی در این جنگ می‌توانست آینده سیاسی شاه‌طهماسب را تضمین و یا مورد خدشه قرار دهد کما اینکه بعد از پیروزی در این نبرد، جایگاه شاه (باوجود آنکه هنوز نوجوان بود) در نزد امرای صفوی و قزلباشان تثبیت گردید. بنابراین طبیعی بود به سبب اهمیت این نبرد، شاه‌طهماسب از هر چیزی که می‌توانست سبب موفقیت وی شود، طلب یاری نماید. ضمن آنکه این جنگ نبرد مهمی میان نیروهای مدافع تشیع (صفویان) و نیروهای مدعی و مدافع تسنن (ازبکان) محسوب می‌شد. شاه‌طهماسب قبل از جنگ جام، حرم رضوی را زیارت و از امام رضا(ع) طلب فتح و پیروزی نمود. این استمداد شاه‌طهماسب از امام هشتم(ع) در اکثریت منابع بازتاب داشته است (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۰۰؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۵۳/۱؛ حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۱۷۹/۱؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۳۹۴)، اما نکته جالب و قابل‌تأمل ادعای مؤلف خلاصه‌التواریخ در مورد یاری‌رساندن امام رضا(ع) به شاه‌طهماسب در جنگ جام می‌باشد، «در مشهد مقدسه رضویه علی راقدها الف الف سلام و تحیه از بعضی ثقات استماع رفت که در آن حین شخصی از مؤمنین در آن روضه عرش منزلت آن حضرت را سلام‌الله‌علیه به خواب‌دیده که متوجه ولایت جام شده، آن شخص از آن حضرت علیه‌السلام سؤال کرده که یا حضرت به کجا می‌روید. در جواب فرموده‌اند که به مدد طهماسب می‌روم» (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۱۸۳/۱). مؤلف مشخص نکرده شخصی که آن خواب را دیده چه کسی بوده است؟ صاحب‌منصب و یا شخصی عادی و

صرفاً از عبارت «شخصی از مؤمنین» استفاده کرده است. باید عنوان نمود امری که در دوره شاه‌طهماسب توسط مورخان رایج بوده و خود او نیز در تذکره شاه‌طهماسب چندین بار بر آن تأکید نموده، خواب‌ها و رؤیاهایی بوده که شاه و یا افراد نزدیک به او می‌دیدند. این خواب‌ها به‌گونه‌ای بوده و یا تعبیر شده‌اند که معمولاً ائمه معصومین راهنما و کمک‌حال شاه‌طهماسب بوده‌اند (در ادامه به برخی دیگر از رؤیاهای مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته خواهد شد). ظاهراً شاه‌طهماسب و دستگاه تبلیغی وی برای مشروع جلوه دادن اقدامات او و همچنین القای تحت حمایت بودن شاه توسط ائمه معصومین، به چنین شیوه‌ای متوسل شده‌اند. نهایتاً حسینی‌قمی جرات یافتن شاه‌طهماسب برای زدن به قلب دشمن که منجر به پیروزی نهایی نیروهای صفوی نیز شد (درحالی‌که نیروهای صفوی در حال شکست بودند) را ناشی از الهامات و القائات ائمه معصومین و خصوصاً امام رضا(ع) به شاه‌طهماسب می‌داند. به هر روی برجسته بودن نقش امام هشتم(ع) در جریان جنگ جام توسط منابع صفوی، طبیعتاً ناشی از وقوع جنگ در جغرافیای نزدیک به حرم رضوی بوده است. بنا بر روایت خوزانی، پس از پیروزی شاه‌طهماسب در نبرد جام به شکرانه این فتح و طلب پیروزی‌های بیشتر، شاه مجدداً به زیارت حرم رضوی رفتند (خوزانی‌اصفهانی، ۱۳۹۸: ۹۷/۲). در تاریخ ایلچی به استمداد شاه‌طهماسب از امام رضا(ع) برای مقابله و غلبه بر ازبکان در ۹۳۹ق اشاره شده است (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۱۴). به غیر از مسائل مربوط به جنگ و طلب پیروزی در جنگ، مواردی دیگر از استمداد و طلب یاری از امام‌هشتم(ع) توسط شاه‌طهماسب به ثبت رسیده است. ازجمله در هنگام تعیین حاکم برای مشهد مقدس به امام رضا(ع) متوسل شده که بتواند حاکمی درخور به آن ناحیه منصوب کند (حسینی-قمی، ۱۳۸۳: ۱/۳۸۱-۳۸۰).

شاهزادگان و امرای عهد شاه‌طهماسب نیز همواره از امام رضا(ع) در امور جهت پیشبرد اهداف، طلب استمداد می‌نمودند. در یکی از حملات ازبکان به مشهد که در آنجا بهرام‌میرزا حکومت می‌کرد، عبدالعزیز ازبک وقتی از تعداد نیروهای شاهزاده آگاه شد، تصمیم گرفت بهرام‌میرزا را اسیر کرده و سپس او را در ازای واگذاری ایالت خراسان به ازبکان با شاه‌طهماسب معاوضه کند. چون این خبر به بهرام‌میرزا رسید «شاهزاده روی به‌جانب گنبد ملک آشتیان آن حضرت کرده استمداد همت طلب نموده و گفت یا حضرت مدد از تو می‌خواهم که این ازبک بدنژاد را زنده به دست آورم و به خدمت برادرم برم» (ناشناس، ۱۳۷۰: ۱۷۴). نکته‌ای که وجود دارد اشاره بهرام‌میرزا به بدنژاد بودن عبدالعزیز ازبک می‌باشد که می‌تواند به‌نوعی در راستای نشان دادن برتری نسبی خود (به دلیل انتساب به امام موسی کاظم(ع)) بر عبدالعزیز باشد. به هر روی نبرد با شکست ازبکان و از قضا اسارت عبدالعزیز به پایان رسید «و این فتح یقین که از نور پاک حضرت امام بود که ناپاک عبدالعزیز چنان لافی زد و آنچه که در دلش بود پیشش آمد» (همان: ۱۷۵). قزاق‌خان یکی از امرای صفوی در مناطق شرقی ایران بود که همواره با خطر حمله ازبکان مواجه بود. دو مورد از استمداد وی از امام رضا(ع) برای غلبه بر ازبکان ثبت شده است. مورد اول در حمله عبادالله‌خان ازبک به خراسان بود که ظاهراً ازبکان دست بالا را داشته‌اند. قزاق از پیروزی ناامید شده بود که «خدای را خواند و به امام رضا(ع) نالید» (ناشناس، ۱۳۷۰: ۳۵۶) که نهایتاً جنگ با پیروزی نیروهای قزاق‌خان خاتمه یافت. مورد دوم به حمله گسترده ازبکان به ولایت خراسان بازمی‌گردد که قزاق‌خان با مشورت یک رمال دو ماه حصاری شد و سپس با توصیه همان شخص قزاق‌خان در یک‌شب از حصار بیرون رفته و به ازبکان حمله نمود اما پس از آغاز جنگ، نیروهای قزاق در حال شکست بودند که «به خاطر خان رسید و گفت آن کیدی رمال امروز، ما را مفت به کشتن داد و روی به‌جانب مشهد مقدس کرده و از سویدای دل نالید و گفت با امام غریبان امام رضا(ع) یک ولایتی بنمای که کار شیعیان به‌جای بد رسیده است؛ که در این وقت از جانب بلخ گرد شد و از میان آن گرد قشن سوار مستعد نمودار شد و از دیدن آن جماعت خان را فرجی در دلش پدید آمده دانست که از معجز حضرت امام است» (همان: ۳۷۸-۳۷۷). این نبرد نیز نهایتاً با شکست ازبکان به پایان رسید.

جایگاه حرم رضوی در توبه‌های شاه‌طهماسب

شاه‌طهماسب صفوی به دلیل توبه از گناهان و پایبندی به توبه خویش در میان شاهان صفوی شاخص بوده و توبهٔ او به‌صورت گسترده‌ای در منابع عصر صفوی بازتاب داشته

است. این توبه در حرم امام رضا(ع) رخ‌داده و درباره تاریخ وقوع آن برخی منابع سال ۹۳۹ق (حسینی‌قمی،۱۳۸۳: ۱/ ۲۲۶-۲۲۵؛ بدلیسی،۱۳۷۷: ۲/ ۱۸۰؛ وحیدقزوینی،۱۳۸۳:۸۰؛ ترکمان،۱۳۸۲: ۱/ ۱۲۲) و برخی نیز ۹۴۰ق را عنوان نموده‌اند (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۱۷؛ محقق‌سبزواری، ۱۳۷۷: ۱۶۸). شاه‌طهماسب در تذکره سال توبه را در ۲۰ سالگی ذکر کرده است (صفوی، ۱۳۴۳: ۳۰). با توجه به آنکه او در ۹۱۹ق به دنیا آمده بیست‌سالگی‌اش مصادف با ۹۳۹ق بوده و به نظر می‌رسد ۹۳۹ق صحیح می‌باشد. مکان توبه نیز در حرم رضوی (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۲۵) بوده است. در اینجا به شرح توبه شاه‌طهماسب در حرم رضوی به نقل از خود شاه پرداخته می‌شود: «وقتی‌که از هرات کوچ کرده بزیارت مشهد مقدس امام‌رضا علیه‌السلام میرفتم، میر سید محمد پیش-نماز مدینه مبارك حضرت رسالت پناه محمد- صلی‌الله علیه و اله- را در خواب دیدم که بمن میفرماید که از مناهی بگذر که ترا فتوحات خواهد شد در صبح باحمد بیك وزیر و امرا که حاضر بودند این خواب را بیان کردم بعضی از ایشان گفتند که از بعضی منهیات بگذریم و از بعض دیگر مثل شراب که ضروری سلطنت است نمی‌توان گذشت و هر کس حرفی در این باب میفرمود آخر من گفتم که امشب بدین نیت میخوابم، بهر طریق که مینماید بدان عمل خواهم کرد و حضرت رسالت‌پناهی صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمودند الروبا الصالحه یریها المومن الصالح و قال لم ینقطع المبشرات باز همان شب در واقعه دیدم که در بیرون پنجره پایین پای حضرت امام ضامن امام‌رضا علیه الف الف التحیه و الثنا دست سیادت پناه میرهای محتسب را گرفته از شراب و زنا و جمیع مناهی توبه کردم صباح این خواب را نیز بجماعه بیان کردم بقدرت و توفیق حضرت باری جل شانه بهمان طریق که در خواب‌دیده بودم در همان موضع سید مذکور حاضرشده دستش را گرفته از جمیع مناهی توبه کردم و در سن بیست‌سالگی این سعادت نصیب شد» (صفوی، ۱۳۴۳: ۳۰).

مؤلف شرفنامه محرک شاه‌طهماسب در توبه را خواب دیدن امام علی(ع) و قبل از حضور در حرم رضوی می‌داند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲/ ۱۸۱) که البته بدلیسی در این زمینه دچار خطا شده و آن را با یک ماجرای دیگر اشتباه گرفته است. در خواب و توبه شاه‌طهماسب چند نکته نهفته است: اول انتخاب پیش‌نماز شهر مدینه به‌عنوان راهنما و توصیه‌کننده برای توبه شاه‌طهماسب، دوم توصیه پیامبر(ص) و نه یکی امامان شیعه به توبه، سوم حضور سادات محتسب در رویای شاه‌طهماسب، چهارم توصیه بزرگان به عدم توبه از مصرف مشروبات، پنجم درنهایت اتفاق افتادن همه این وقایع در مشهد مقدس و حرم امام رضا(ع). به نظر می‌رسد فارغ از اعتقادات شخصی شاه، این عمل او در پی فرستادن پیام‌هایی برای همسایگان سنی مذهب نیز بوده است. ازبکان و عثمانی‌ها بر این عقیده بودند که صفویان و شیعیان از دین خارج‌شده‌اند و اقدام آن‌ها در رسمی کردن مذهب تشیع نوعی بدعت در دین اسلام بوده است. در این مقطع (۹۳۹ق) تنها مرکز مهم شیعی که در قلمرو صفویان وجود داشت مشهد مقدس و حرم امام رضا(ع) بود. حضور پیشنماز مدینه و در شب بعد پیامبر اسلام(ص) در مشهد مقدس به‌نوعی تأکید بر پیوند مسئله امامت و نبوت و ابلاغ این امر می‌باشد که ولایت امام‌هشتم(ع) با نبوت تفاوتی ندارد و بر همین اساس پادشاهی صفوی نیز ادامه‌دهنده امامت امامان معصوم بوده و آن‌ها بدعتی در اسلام به وجود نیاورده‌اند. در واقع حضور سادات نیز در این رؤیا به همراه پیامبر(ص) را می‌توان نشانگر علاقه پیامبر(ص) به سادات و پیوند با آن‌ها دانست که به‌نوعی تأییدکننده حکومت صفوی به‌عنوان حکومت نوادگان پیامبر(ص) می‌باشد. همچنین توصیه وزرا و امرا به عدم توبه شاه از نوشیدن مسکرات زیرا آن را لازمه پادشاهی می‌دانستند و مخالفت شاه‌طهماسب با این توصیه نیز به‌نوعی بیانگر آن است که احکام دینی باید بدون در نظر گرفتن جایگاه افراد و در همه امور رعایت شوند. امری که می‌تواند به‌نوعی طعنه به حاکمان ازبک و عثمانی (به دلیل عدم رعایت این نکته) بوده باشد که صفویان را از دین خارج‌شده می‌دانستند. شاه‌طهماسب به این توبه پایبند بود مؤلف تاریخ ایلچی می‌نویسد: «از آن تاریخ تا حاله هذه که نهصد و هفتاد و یک هجری است هیچ احدی را در بلاد عجم، زهره و یارای آن نیست که به امری از امور نامشروع ارتکاب نماید» (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۱۸). شاه به شدت بر رعایت این مسئله بخصوص در شهر مقدس مشهد اصرار داشت. در ۹۶۲ق به دلیل آنچه که کوتاهی کردن حاکمان

مشهد در جلوگیری از گناهان در آن خطه بیان شده بود، حسن سلطان روملو حاکم مشهد مقدس عزل شد (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۸۰).

حرم رضوی و شاهزادگان همسایه

حرم رضوی به‌عنوان مکانی مقدس برای مسلمانان شناخته می‌شود که به غیر از شیعیان، اهل تسنن برای این مکان اهمیت زیادی قائل هستند. در منابع اهل سنت نیز به‌صورت گسترده به فضیلت‌های زیارت حرم امام رضا(ع) اشاره شده است (برای نمونه، ر.ک: جوینی، ۱۴۰۰: ۱۸۸تا ۱۹۸؛ روزبهان‌خنجی، ۱۳۸۹: ۳۲۸-۳۳۶). در همسایگی شرق و جنوب شرقی ایران دو حکومت ازبکان و گورکانیان هند وجود داشتند که هر دو پیرو مذهب تسنن بودند. در طول حکومت شاه‌طهماسب شاهد حضور حاکمان و شاهزادگان این دو حکومت در سرزمین ایران هستیم. به دلیل وجود حرم امام هشتم(ع) در مرزهای شرقی، یکی از اولین شهرهایی که شاهزادگان به آن قدم می‌گذاشتند مشهد مقدس بود. این شاهزادگان و حاکمان حرمت خاصی برای این مکان مقدس قائل بوده و به زیارت حرم رضوی می‌رفتند.

مهم‌ترین مهمان خارجی تاریخ صفویان، همایون (حک ۹۴۷-۹۳۷ق و ۹۶۳-۹۶۲ق)، شاه گورکانیان هند بود. همایون در ۹۴۷ق در مواجه با شورش شیرخان سوری شکست خورد (مبارک، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۵۱-۲۴۹؛ هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۸: ۳۶). مخالفت برادران او مزید بر علت شد (مبارک، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۵۰؛ بیات، ۱۳۸۲: ۲؛ نوایی و غفاری‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۲۸) و متعاقباً او یارای مقاومت در برابر مخالفان را نداشت و تصمیم گرفت به دربار شاه‌طهماسب پناهنده شود. شاه نامه‌هایی به حکام مرزی نوشته و به آن‌ها تأکید نموده که در خور یک پادشاه با همایون رفتار نمایند (نوایی، ۱۳۵۰: ۶۱-۵۳). همایون بعد از ورود به هرات مورد استقبال محمدمیرزا فرزند شاه‌طهماسب قرار گرفت و پس از مدتی اقامت راهی مشهد شد (مبارک، ۱۳۸۵: ۱/ ۳۱۸). حسینی‌قمی ورود همایون به مشهد را در ذیل حوادث ۹۵۰ق آورده است(حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۰۶)، اما اکبرنامه آن را در سال ۹۵۱ق آورده: «چون نزدیک مشهد مقدس نزول اقبال شد، شاهقلی سلطان استاجلو -که ایالت آن حدود داشت- با اکابر سادات به دولت استقبال مشرف شد و آداب خدمت به‌جای آورد. پانزدهم محرم نهصد و پنجاه و یک به مشهد رسیده» (مبارک، ۱۳۸۵: ۱/ ۳۲۰-۳۱۹) خوزانی‌اصفهانی نیز احتمالاً به تبعیت از نظر مؤلف اکبرنامه ۹۵۱ق را سال وقوع این امر می‌داند (خوزانی‌اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲/ ۲۴۷). همایون سپس برای زیارت به حرم رضوی رفتند. رویکرد منابع هندی نسبت به مسافرت همایون به ایران چندان تفصیلی نبوده و اکثر منابع به‌صورت مختصر به آن پرداخته‌اند. در مورد زیارت امام هشتم(ع) نیز اصولاً برخی منابع هندی بدان اشاره‌ای نکرده و برخی نیز صرفاً به ذکر جمله زیارت و طواف حرم امام رضا(ع) توسط همایون بسنده کرده‌اند (استرآبادی، ۱۳۸۸: ۲/ ۸۲؛ بیات، ۱۳۸۲: ۳؛ مبارک، ۱۳۸۵: ۱/ ۳۲۰)، اما منابع ایرانی سعی کرده‌اند مفصل‌تر این واقعه را موردبررسی قرار دهند. در خلاصه‌التواریخ تقریباً شرحی مفصل از حضور و زیارت همایون در حرم رضوی آمده است (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۰۷-۳۰۶).

مؤلف روضه‌الصفویه نیز می‌نویسد تا زمانی که همایون در مشهد بود اکثر اوقات شب و روز به زیارت حرم رضوی مشغول بوده و برخی شب‌ها را در آنجا شب‌زنده‌داری می‌کرده و از امام هشتم طلب استمداد می‌نموده و «به استجابت دعا مطمئن می‌گردیدند و جمهور سدنه آن آستان قدسی مکان را به صلابت نذورات منهج و مسرور می‌گردانیدند» (جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۹۴) در مورد کثرت و مداومت در زیارت حرم امام هشتم(ع) توسط همایون باوجود سنی بودن می‌توان دلایلی را ذکر نمود. همان‌گونه که عنوان شد حرم رضوی مورد احترام اهل تسنن نیز بوده و زیارت این مکان مقدس صرفاً مختص شیعیان نمی‌باشد در همین راستا همایون نیز به امام هشتم(ع) اظهار ارادت نموده است. ظاهراً همایون در مسیر حرکت به ایران در هرمکانی که مقبره بزرگان بوده توقف نموده به زیارت مشغول می‌شد ازجمله زیارت خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ق) در هرات و ژنده‌پیل احمدجام (م ۵۳۶ق) در جام (مبارک، ۱۳۸۵: ۱/ ۳۱۹) گرچه زیارت حرم رضوی مفصل‌تر از دیگر مکان‌ها بوده است. توسل جستن‌های مکرر به امام هشتم(ع) را می‌توان به‌نوعی ناشی از شکست‌های همایون در مبارزه با مخالفان داخلی و احساس نیاز به حمایت یک نیروی معنوی دانست. به نظر

می‌رسد همایون در حالتی دل‌شکسته و ناامیدانه بوده و حالات روحی و روانی او به‌نوعی تداعی‌کننده سلطان محمد خوارزمشاه می‌باشد که از چنگیزخان مغول شکست‌خورده و برای تسلای خود و استمداد به حرم امام رضا(ع) متوسل شده بود. آوازه شیعی بودن حکومت صفویان و تعصبات مذهبی شاه‌طهماسب، طبیعتاً به گوش همایون نیز رسیده بود و قطعاً می‌دانست شرح حضور وی در مسیر راه توسط افراد شاه‌طهماسب به گوش وی خواهد رسید. شاید بتوان عنوان نمود همایون به جهت آگاهی از این مسائل و برای جلب رضایت شاه‌طهماسب جهت کمک رساندن به او، در امر ارادت به حرم رضوی مبالغت نموده کما اینکه همایون بعدها جهت جلب رضایت شاه‌طهماسب، برای زیارت قبر شیوخ صفوی راهی اردبیل شد (روملو، ۱۳۵۷: ۴۰۱؛ خوزانی-اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲۶۲/۲؛ نوایی و غفاری‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۳۰). بیرام‌خان یکی از همراهان همایون که ظاهراً شیعه‌مذهب هم بوده، نذورات زیادی را به حرم رضوی اهدا نمودند و حتی بعدها که به هند رفت این سنت و رویه را ادامه داده و برای حرم رضوی نذوراتی را ارسال می‌نمودند (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۵/۱). بعد از بازگشت همایون به هند و درگیری وی با کامران‌میرزا برادر خویش، بر او غلبه کرد. کامران‌میرزا نیز شیوه برادر را در پیش‌گرفته و به سمت ایران حرکت نمود. او نیز مانند برادر به مشهد رفته و به زیارت حرم امام رضا(ع) مشغول شدند (ناشناس، ۱۳۷۰: ۳۶۲)، اما وی نتوانست کمک طهماسب را جلب کرده و به مکه رفته و در آنجا از دنیا رفت.

ازبکان دیگر همسایهٔ شرقی صفویان، بودند که برخلاف گورکانیان هند به‌هیچ‌روی رابطه مناسبی با صفویان نداشتند بااین‌وجود در دوران شاه‌طهماسب تعدادی از شاهزادگان این سلسله به صفویان پناهنده شدند و در این مسیر، پناهندگان به زیارت حرم رضوی نیز می‌رفتند و ابراز خلوص نیت می‌کردند. «تین محمد سلطان» از بزرگان خوارزم در ۹۳۹ق در مشهد مقدس و «در درون روضه مقدسه عرش منزلت» به شاه‌طهماسب صفوی پناهنده شد (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۲۲۶/۱). همچنین در ۹۶۴ق «ده پانزده نفر از احفاد چنگیزخان مغول، یونس‌خان و برادران وی پهلوان قلی سلطان و حاجم‌خان» که از سلاطین خوارزم بودند به دلیل شکستی که در آن منطقه خوردند به ایران پناهنده شدند و بعد از زیارت حرم رضوی راهی دارالسلطنه قزوین شدند(همان: ۳۹۲/۱). در ۹۷۱ق پیرمحمدخان والی بلخ به اطراف مشهد لشکر کشید و قصد حمله مشهد را داشت که عده‌ای از سادات مشهد به دیدار او رفتند تا وی را از این کار و آسیب رساندن به مزارع کشاورزی منصرف کنند که پیرمحمدخان نیز پذیرفت و برای سادات نیز خلعت‌هایی فرستاده «و از روی اخلاص نذر بدان آستانه مقدسه فرستاده» (همان: ۴۴۲/۱). سلطان محمودخان نیز یکی دیگر از امرای ماوراءالنهر بود که در چندین نوبت به نشانه ارادت و اخلاص قنادیل طلا و شمعدان بزرگ طلا را به حرم رضوی اهدا نمودند (همان: ۴۴۳/۱). به هر روی باوجود آنکه امرا و حاکمان ازبک همواره تهدیدی برای مشهد و حرم رضوی محسوب می‌شدند، اما موارد عکس این قضیه همان‌گونه که آمد، نیز صادق بوده و بسیاری از امرای آن‌ها از روی اخلاص و یا شاید به سبب شیعه بودن (در مورد محمودخان) ارادت خود را نسبت به امام رضا(ع) و حرم ایشان با اهدای نذورات نشان می‌دادند.

نذورات، موقوفات و آراستن حرم رضوی

در دوره شاه‌طهماسب از سوی شاه و امرا موقوفات و نذورات زیادی وقف حرم رضوی شد. شخص شاه‌طهماسب به این امر اهتمام جدی ورزیده «و اقدامات مؤثری در گسترش حرم و اداره امور آستان قدس انجام داد. اقداماتی مانند اختصاص بودجه‌های دولتی، کنترل درآمدهای آستان قدس و شیوه هزینه‌کرد آن، ایجاد سازمان اداری آستان قدس و گسترش آن و کنترل مستقیم امور اداری آن در جایگاه شاه و تولیت و نیز با انجام سفرهای زیارتی و نذرهایی برای حرم امام رضا(ع) و تعمیر و گسترش حرم و سایر مکان‌های مرتبط با آن، سیاست صفویان را در این زمینه ثبات بخشید» (طلایی، ۱۳۹۷: ۱۳۴). شاه‌طهماسب اداره موقوفات سلطنتی را از دیگر موقوفات آستان قدس تفکیک نموده و به همین منظور تولیت واجبی و تولیت سنتی را ایجاد نمود «غرض از عبارت سنتی آنست که سیورغالات و آنچه سرکار خاصه شریفه بجهت مصارف السرکار از مصالح شیلان و وظایف خدام و مدرسان و ارباب وظایف و ادارات سادات و علماء و فضلاء و ارباب استحقاق داده می‌شد چون اختیار صرف حضرت

خاقان جنت آشیان داشتند آن را سنتی مینامند و حاصل اوقات و نذروات که مصرف معین دارد بموجب شروط واقفین عمل میباید کرد آنرا واجب می‌شمارند» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۹/۱). اتخاذ چنین تصمیماتی فارغ از درستی یا نادرستی آن، نشان از درک اهمیت مسئله موقوفات توسط شاه‌طهماسب و عزم وی برای سامان بخشیدن به موقوفات حرم رضوی می‌باشد.

منابع از نذورات و صدقات شاه‌طهماسب در حرم‌رضوی مکرراً سخن به میان آورده‌اند ازجمله در ۹۳۹ق و ۹۴۳ق در پی زیارت حرم رضوی اقدام به دادن نذورات و صدقات نمود (قزوینی‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۹۸؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۵۹، ۴۲۰؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۲۳/۱). نطنزی آورده است که شاه‌طهماسب به شکرانه توفیق در امر توبه نذر نمود «که مرقد منور و مضجع مطهر حضرت امام الانس والجن، علی بن موسی‌الرضا صلوات الله و سلامه علیهماست مطلا سازد و بعد از تمکین بر سریر خلافت و جهانداری بایقاء نذر قیام نموده مقدار شصت و سه من طلا بجهت گنبد و هفده من جهت میل گنبد صرف نمود» (افوشته‌ای‌نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۵-۱۴). این کار یک اقدام مهم و اساسی شاه‌طهماسب در جهت تجهیز حرم رضوی بوده است. برخی این اقدام را نماد پیروزی شاه‌طهماسب بر دشمنان داخلی و خارجی و تحکیم پایه‌های سلطنت و در راستای نشان دادن پیوستگی میان خاندان صفوی و امامان شیعه دانسته‌اند (Farhat, 2014: 206). از دیگر اقدامات شاه‌طهماسب در حرم رضوی، تهیه «شرفه‌دوز ضریح مقدس، شمعدان بالاسر و پایین پای مرقد مطهر، درب مرصع روضه رضویه» می‌باشد (مستوفی، ۱۳۷۵: ۸۱).

در مورد نصب ضریح امام رضا(ع) توسط شاه‌طهماسب باید ذکر نمود که کتیبه‌هایی متعلق به ضریح موجود می‌باشد که تاریخ نصب ضریح را مشخص می‌کنند و بر اساس آن‌ها ضریح در ۹۴۹ق ساخته و در ۹۵۷ق نصب‌شده‌اند (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). در یکی از این کتیبه‌ها چنین نوشته‌شده است: «بتوفیق الهی و تاییدات حضرت رسالت پناهی و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین طهماسب بن اسمعیل الحسینی الصفوی بوضع این محجر طلا در موضع عرش اعتلا موفق و مؤید گردیده سنه ۹۵۷» در کتیبه‌ها ظرافت خاصی به‌کاربرده شده و به‌خوبی تزئین شده‌اند (همان: ۱۲۲). به نظر فرحت، احتمالاً شاه‌طهماسب این ضریح را به مناسبت دفن بهرام‌میرزا در جوار مرقد امام هشتم(ع)، به حرم رضوی اهدا نموده است (Farhat, 2014: 208). بااین‌حال، به نظر می‌رسد این اقدامات شاه‌طهماسب در حرم رضوی سرآغاز و سرمشقی برای اقدامات آتی شاهان صفوی و حتی سلسله‌های بعدی ایران بوده و به‌نوعی طهماسب در این زمینه پیش‌قدم بوده است. شاه‌طهماسب در تذکره خویش به موضوع آراستن و طلاکاری گنبد حرم رضوی اشاره‌کرده و ادعا می‌کند شبی حضرت علی(ع) را در خواب‌دیده که به او سه سفارش نموده، سفارش دوم تأکید امام علی(ع) به طهماسب درباره ساختن گنبد ایشان مانند گنبد امام رضا(ع) بوده است (صفوی، ۱۳۴۳: ۱۲). به این خواب در تاریخ ایلچی اشاره شده است (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

شاه‌طهماسب به خادمان حرم رضوی و سادات ساکن در مشهد مقدس نیز نگاه ویژه‌ای داشت و همواره صدقات و نذورات را برای آن‌ها در نظر می‌گرفت. شاه هرسال مقداری زر نقد به مناسبت تولد هرکدام از چهارده معصوم برای سادات مشهد مقدس ارسال می‌نمود (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۵۹۸/۱؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۲۳/۱؛ قزوینی‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۹۹-۳۹۸). از اعضای خاندان سلطنتی نیز شاهزاده سلطانم (مهین‌بانو) کوچک‌ترین دختر شاه اسماعیل همواره نذورات زیادی «از جواهر و نفایس و چینی‌آلات هر چه داشتند» (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۴۳۱/۱) را به حرم رضوی ارسال می‌کردند. همچنین این شاهزاده خانم ۲۳ کتاب مذهبی و یک کاروانسرا که خود ساخته بود را وقف حرم امام هشتم(ع) نمودند (طلایی، ۱۳۹۷: ۱۳۶). او در این زمینه ظاهراً سرآمد آن دوران بوده است. همچنین از سوی بزرگان و افراد صاحب مکنت موقوفاتی برای مصرف در موارد مختلف در دوره شاه‌طهماسب صورت گرفته که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۱: موقوفات حرم رضوی در دوره شاه‌طهماسب (حسن‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۰؛ طلایی، ۱۳۹۷: ۱۳۷)

ردیف	واقف	سال وقف	هدف وقف و نوع مصرف آن	نوع موقوفات
۱	علی بن احمد بن ملک اسماعیل طوسی-(خواجه عتیق‌علی منشی)	۹۳۱ق	اطعام واردین و صادرین، فقرا و مساکین؛ درمان بیماران، روشنایی حرم، خدام، حفاظ، غربا؛ تمام مرتزقه آستانه	مزرعه، حمام، باغ، قنات
۲	خواجه علاءالدین حاجی	۹۳۳ق	بنا کردن رباط برای اسکان مسافران و خرج مسافرانی که عزیمت طواف روضه منوره داشته باشند، فرش، روشنایی و حفاظ برای رباط مذکور و حرم مطهر	مزرعه
۳	حسام‌الدین	۹۳۸ق	-	روستا
٤	سید لطیف شاه‌حسینی	۹٤۰ق	زوار و ابن‌السبیل زوار حضرت رضا(ع) مشروط به دعا برای ازدیاد عمر دولت پادشاه اسلام	روستا
۵	امیر سید جلال‌الدین محمد	۹۵۰ق	زوار و ابن‌السبیل و مستحقین	-
٦	ابوالفتح علی الحسینی (شاعر)	۹۵۷ق	مصالح آستان قدس، زوار و بقیه در اختیار آستان قدس	مزرعه
۷	امیر فضل‌الله الحسینی الاصفهانی الشهرستانی	۹٦۳ق	روضه مقدسه رضویه	املاک متعدد
۸	سادات عظام خراسان	۹۸۰ق	---	مزرعه

از موقوفاتی که شاه و اعضای خاندان سلطنتی، وقف حرم رضوی نموده‌اند، چنین می‌توان استنباط نمود که دغدغه شاه و خاندان سلطنتی، توجه ویژه به حرم رضوی و توسعه آن بوده که این امر می‌تواند با اهداف خاصی صورت گرفته باشد، ازجمله: شکیل ساختن حرم رضوی و ایجاد یک نوع شکوه و عظمت که در خور مرقد امامان شیعه باشد، ایجاد پیوند میان خاندان صفوی و ائمه معصومین -تقویت نمادهای شیعی توسط شاه‌طهماسب در انظار عمومی، تأکید بر حمایت ویژه شاه صفوی از مذهب تشیع، جلب زائر هم در راستای ترویج مذهب تشیع و هم در راستای درآمدزایی و غیره به نظر می‌رسد موقوفاتی که توسط افراد خارج از خانواده سلطنتی در این دوره، انجام‌گرفته بیشتر بر روی خدمت‌رسانی به زوار متمرکز بوده است.

مدفونین حرم رضوی در دوره شاه‌طهماسب

یکی از سنت‌های مذهبی که بیشتر در میان شیعیان رعایت می‌شود، تدفین مردگان در جوار حرم و مقبره امامان، امامزادگان و بزرگان دین می‌باشد. حرم امام رضا(ع) از اهمیت بالایی نزد ایرانیان برخوردار بود به‌گونه‌ای که تاورنیه می‌نویسد: این قبر مانند قبر پیامبر(ص) مورد احترام ایرانیان است (تاورنیه، ۱۳۳٦: ٤۱۱). همچنین شاردن از احترام شدید ایرانیان به آنجا یاد کرده است و می‌نویسد: «نامش را همیشه در دل و بر زبان دارند و بر این باورند هر آن‌کس در کنار مرقدش که زیارتگاه مردمان است به خاک سپرده شود آمرزیده گردد» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱٦٦٤/۵). اطلاع چندانی از مدفونین عادی در جوار حرم رضوی در دست نیست، اما بزرگانی که فوت کرده‌اند و در جوار حرم امام رضا(ع) دفن شده‌اند توسط منابع ثبت و ضبط شده‌اند. در دوره شاه-طهماسب بسیاری از بزرگان در آنجا به خاک سپرده شدند که خود شاه‌طهماسب مهم‌ترین آن‌ها بود (خوزانی‌اصفهانی، ۱۳۹۸: ۵٦۲/۲؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۲۳/۱؛ بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۳/۲؛ مستوفی، ۱۳۷۵: ۸۰؛ حسینی‌استرآبادی، ۱۳٦٦: ۹۳). به نظر می‌رسد شاه‌طهماسب اولین و آخرین پادشاه صفوی (تا ۱۱۳۵ق) بود که در مشهد مقدس دفن گردید و

این مسئله نیز می‌تواند حاکی از ارادت ویژه این شاه به امام رضا(ع) به نسبت دیگر شاهان صفوی باشد. از شاهزادگان صفوی که در جوار حرم رضوی دفن شدند می‌توان به بهرام‌میرزا برادر شاه‌طهماسب اشاره نمود (عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۰۳؛ حسینی‌استرآبادی، ۱۳۶۶: ۷۵؛ حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۳۴۰/۱؛ غفاری‌قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۹۹). رستم‌میرزا پسر سام‌میرزا نیز از شاهزادگانی بود که بنا بر وصیت خویش در جوار حرم رضوی دفن گردید: «چون شاهزاده آگاه وصیت نموده بود که نعش او را به مشهد مقدس معلی مزکی فرستند که در زمین موسوم به غسلگاه که حضرت امام همام علیه‌الصلوه والسلام از اجرت کتاب کلام ملک علام آنرا خریده وقف مقابر مؤمنین نموده او را دفن نمایند... در آن زمین که رشک بهشت برین است دفن نمودند» (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۱). امرا و بزرگان زیادی نیز در دوران سلطنت شاه‌طهماسب در جوار حرم رضوی دفن شدند. اولین کسی که منابع در دوران شاه‌طهماسب اشاره‌کرده‌اند دورمیش‌خان در ۹۳۲ق بود (جنابدی، ۱۳۷۸: ۳۷۱-۳۷۰)[1]. ظاهراً برخی شاهزادگان همسایه نیز به سبب ارادت به امام رضا(ع) در جوار حرم ایشان دفن شدند. مغل‌خانم از شاهزاده خانم‌های ازبک بو دکه «به زیارت امام مشرف شد و چون به مشهد مقدس رسید به شرف زیارت حضرت امام مشرف شد در پایین پای حضرت امام(ع) استدعا نمود که اگر امام برحقی مرا میسر شود که چون وفات کنم نعشم را در این حوالیها دفن کنند [...] بعد از هفت روز جان به‌حق تسلیم کرد او را به آداب تمام بردند و در آستانه حضرت امام(ع) دفن کردند» (ناشناس، ۱۳۷۰: ۳۴۷). در علت گرایش شاهزادگان، امرا و بزرگان به تدفین در مشهد مقدس، به نظر می‌رسد علاوه بر ارادت ویژه ایرانیان به امام هشتم(ع) روابط پرتنش میان ایران و عثمانی و جنگ‌های طولانی بین آن‌ها در زمان شاه‌طهماسب، مؤثر بوده است، زیرا این روابط خصمانه امکان تدفین مردگان به خصوص افراد مشهور در عتبات را کمتر می‌کرد.

جدول ۲: مهم‌ترین مدفونین در جوار حرم رضوی (۹۸۴-۹۳۰ق)

ردیف	متوفی	سال فوت	جایگاه و منصب
۱	شاه‌طهماسب	۹۸۴ق	دومین شاه صفویان
۲	بهرام‌میرزا	۹۵۶ق	پسر شاه اسماعیل و برادر شاه‌طهماسب
۳	رستم‌میرزا	۹۶۱ق	پسر سام‌میرزا و نوه شاه اسماعیل
٤	زینب سلطان	۹۷۸ق	مادر ابراهیم‌میرزا و زن شاه‌طهماسب
٥	دورمیش‌خان شاملو	۹۳۲ق	پسرعمه شاه‌طهماسب و از نظامیان برجسته صفویان
٦	مجنون سلطان	۹٤۹ق	حاکم اسفراین
۷	قاضی جهان	۹٦۰ق	وکیل و وزیر اعظم

۱. موارد مشابه همچون مجنون سلطان حاکم اسفراین در ۹۴۹ق (حسینی‌قمی،۱۳۸۳: ۳۶۱/۱). قاضی جهان در ۹۶۰ق از دنیا رفت و قرار بر آن شد که در کربلا دفن شود، اما به دلیل طاعونی که در آنجا رخ‌داده بود، این عمل میسر نگردید و در ۹۶۴ق در مشهد مقدس به خاک سپرده شد (همان: ۳٦٦). امیر اسدالله شوشتری که مقام صدر را داشت در ۹۶۳ق (عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹ :۱۱۰؛ حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۳۸۶/۱ ؛ غفاری‌قزوینی، ۱۳۴۳ :۳۰۲). محمدخان تکلو در ۹۶۴ق (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۳۹۱/۱). در ۹۶۵ علی سلطان تاتی‌اغلی ذوالقدر حاکم شیراز در نبرد قندهار کشته شد و جسد او را به مشهد آورده دفن نمودند (همان: ۲۹۷/۱-۲۹۶). در همان سال در پی شورش ابای ترکمان برخی از امرا به دفع وی پرداختند ازجمله شاهقلی‌خلیفه ذوالقدر، مهردار حاکم ولایت قم که در حین حمله و تعقیب ابای از دنیا رفت «ملازمان او به‌واسطه شدت گرما جسد او را نقل محلی نتوانستند بالاخره استخوان‌های او را از گوشت جدا کرده به مشهد مقدس معلی آورده در آن آستان معلی نشان مدفون ساختند» (همان: ۳۹۴/۱). سوندک‌بیگ افشار قورچی‌باشی در ۹۶۹ق، مولانا قطب‌الدین بغدادی در ۹۷۰ق، مولانا نظام‌الدین شاه محمود زرین قلم در ۹۷۳ق و زینب سلطان مادر ابراهیم‌میرزا و زن شاه‌طهماسب در ۹۷۸ق (همان: ۵۷۰/۱، ۴۵۰، ۴۴۰، ۴۳۵) و شاعری به نام میلی مشهدی که ابتدا از ملازمان ابراهیم میرزا بود و به هند مهاجرت کرد و در همانجابه سال ۹۸۳ق از دنیا رفت، ولی بنا بر وصیتش او را به مشهد آوردند و در آنجا دفن نمودند (سیدی، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

۸	امیر اسدالله شوشتری	۹۶۳ق	صدر
۹	محمدخان تکلو	۹۶٤ق	لله محمدمیرزا فرزند شاه‌طهماسب
۱۰	علی سلطان تاتی‌اغلی ذوالقدر	۹٦٥ق	حاکم شیراز
۱۱	شاهقلی‌خلیفه ذوالقدر	۹٦٥ق	مهردار حاکم ولایت قم
۱۲	سوندک‌بیگ افشار	۹٦۹ق	قورچی‌باشی
۱۳	مولانا قطب‌الدین بغدادی	۹۷۰ق	از علمای مشهور زمان خویش
۱٤	خلیفه اسدالله	۹۷۰ق	متولی حرم رضوی و شیخ‌الاسلام مشهد
۱۵	مولانا نظام‌الدین شاه محمود زرین قلم	۹۷۳ق	خوشنویس
۱٦	میر شریف موسوی	۹۷٤ق	از نقبای مشهد مقدس
۱۷	میرزا ابوالقاسم رضوی	۹۷٤ق	از نقبای مشهد مقدس
۱۸	میلی مشهدی	۹۸۳ق	شاعر
۱۹	مغل‌خانم	-	شاهزاده‌خانم ازبک

نتیجه‌گیری

شاه‌طهماسب اول صفوی از آغازین روزهای حکمرانی تا زمان وفات، ارادت خود را به حرم رضوی و امام هشتم(ع) حفظ نمود و به‌عنوان تنها شاه صفوی مدفون در حرم رضوی شناخته شده است. شاه‌طهماسب در زمان حکومت به نشانه ارادت به حرم رضوی چندین نوبت به زیارت آنجا و استمداد پیروزی از آن امام پرداخت. مهم‌ترین رخداد معنوی زندگی شاه‌طهماسب، توبه او بود که این امر نیز در حرم رضوی رخ داد. در دوره شاه‌طهماسب همچنین نخستین اقدامات مهم تجهیز در حرم رضوی توسط شاه انجام گردید. همه موارد ذکرشده به‌نوعی در ترویج و اشاعه شعائر مذهبی شیعه مؤثر بود، خصوصاً آنکه مذهب شیعه امامیه برای اولین بار صاحب حکومتی متمرکز و قدرتمند شده بود. رویکرد شاه‌طهماسب به مسائل ذکرشده از یک‌سو سبب گرایش امرا و بزرگان دربار و همچنین عامه مردم به انجام چنین فعالیت‌هایی شد و از سوی دیگر سبب ارتقای بیش از پیش جایگاه مذهبی و معنوی حرم‌رضوی هم در میان مردم ایران و هم در بین همسایگان گردید. نتیجه این اقدامات در افزایش نذورات و موقوفات از سوی اقشار مختلف تابع صفویان و حتی اتباع همسایه و همچنین تمایل بیشتر مردم به تدفین مردگان در آن مکان مقدس، بازتاب یافت. توجه شاه‌طهماسب به جایگاه معنوی و مذهبی حرم‌رضوی در شیوهٔ اداره آنجا و شهر مشهد هویدا می‌باشد. ارتقای جایگاه حاکم مشهد از شخصی قزلباش به یک شاهزاده بلندمرتبه و هم‌طراز قرار دادن مشهد و هرات نشانگر درک درست شاه‌طهماسب از موقعیت مذهبی و سیاسی آنجا می‌باشد. حساسیت شاه در نحوه حکومت بر مشهد و حرم رضوی به‌خوبی در نامه‌ها و دستورات او انعکاس یافته است. ظاهراً این میزان از دقت و تمرکز در مورد هیچ‌کدام از ایالات و شهرهای دیگر تحت تابعیت صفویان اعمال نمی‌شده است. این امر می‌تواند هم در راستای ارتقای سطح کیفی زندگی مردمان هم‌جوار حرم رضوی و هم در جهت جذب اتباع همسایه (عمدتاً سنی مذهب) به یکی از شهرهای مهم شیعیان و درنتیجه تضعیف همسایگان بوده باشد. همچنین حفظ مشهد به‌عنوان مهم‌ترین شهر مذهبی قلمرو صفویان و در امان نگه‌داشتن حرم‌رضوی از حملات و دستبردهای ازبکان، دلیل دیگری برای دقت نظر شاه درباره اداره آنجا می‌باشد. همه این موارد سبب گردید تا حاکمان مشهد و متولیان حرم از میان افراد مورد وثوق شاه انتخاب و آن افراد نیز نزد شاه دارای اعتبار ویژه‌ای شوند و در مباحث امنیتی نیز به‌عنوان معتمدان شاه، در جهت بهبود وضعیت سیاسی تلاش نمایند.

فهرست منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله. (۱۴۰۴). ***شرح نهج‌البلاغه***. ج۸. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۲. استرآبادی، محمدقاسم هندوشاه. (۱۳۸۸). ***تاریخ فرشته***. ج۲. تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۳. افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله. (۱۳۷۳). ***نقاوه‌الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه***. تصحیح احسان اشراقی. تهران: علمی و فرهنگی.

۴. بدلیسی، شرف‌خان. (۱۳۷۷)، ***شرفنامه***. ج۲. تصحیح ولادیمیر ولییامینوف. تهران: اساطیر.

۵. برزنونی، محمدعلی. (۱۳۸۱). ***معنویت در مکتب امیرالمؤمنین(ع)***. تهران: دانشگاه امام حسین(ع).

۶. بیات، بایزید. (۱۳۸۲). ***تذکره همایون و اکبر***. تصحیح محمد هدایت حسین. تهران: اساطیر.

۷. بیانی، شیرین. (۱۳۸۲). ***مغولان و حکومت ایلخانی در ایران***. تهران: سمت.

۸. تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۳۶). ***سفرنامه تاورنیه***. ترجمه ابوتراب نوری. اصفهان: کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید اصفهان.

۹. ترکمان، اسکندربیگ. (۱۳۸۲)، ***تاریخ عالم‌آرای عباسی***. ج۱. مصحح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

۱۰. ترول، کریستین دبلیو. (۱۳۷۸)، «معنویت کاتولیک حال و آینده». ترجمه مهرداد وحدتی‌دانشمند. ***نقد و نظر***. (شماره ۲۰-۱۹)، ۱۸۰-۱۶۵.

۱۱. جلالی، میثم. (۱۳۸۹)، «ضریح شاه‌تهماسب (یادگاری از دودمان صفوی در موزه آستان قدس رضوی)». ***مشکوه***. (شماره ۱۰۸)، ۱۲۵-۱۱۳.

۱۲. جنابدی، میرزا بیگ بن حسن. (۱۳۷۸). ***روضة‌الصفویه***. به‌کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

۱۳. جوینی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۰۰ق). ***فرائدالسمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمه من ذریتهم علیهم‌السلام***. بیروت: موسسه المحمودی.

۱۴. حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۷)، «اسن-ارشد یا اصلح: نگاهی به چگونگی انتخاب متولیان موقوفه سادات رضوی». ***وقف میراث جاویدان***. (شماره ۶۴)، ۳۲-۲۱.

۱۵. حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۱)، «بررسی تحلیلی جنبه‌های مصرف موقوفات آستان قدس رضوی در دوره صفویه». ***پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی***. (شماره ۱)، ۳۶-۷.

۱۶. حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). «نگاهی به جایگاه سادات رضوی در مشهد در دوره صفویه». ***شمسه***. (شماره ۳)، ۱۴-۱.

۱۷. حسینی‌استرآبادی، سید حسین بن مرتضی. (۱۳۶۶). ***از شیخ صفی تا شاه صفی***. به‌کوشش احسان اشراقی. تهران: علمی.

۱۸. حسینی‌قمی، قاضی احمد بن حسین. (۱۳۸۳). ***خلاصة‌التواریخ***. ج۱. تصحیح احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.

۱۹. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۸۰). ***تاریخ حبیب السیر***. ج۳. تهران: خیام.

۲۰. خوزانی‌اصفهانی، فضلی. (۱۳۹۸). ***افضل التواریخ***. ج۳. به‌کوشش احسان اشراقی و قدرت الله پیشنماززاده. تهران: میراث مکتوب.

۲۱. دهقانی، رضا. (۱۳۹۸). «پیوند معنوی پادشاهان صفوی با امام رضا(ع)». ***فرهنگ رضوی***. (شماره ۲۸)، ۱۵۵-۱۳۵.

۲۲. روزبهان‌خنجی، فضل‌الله‌بن. (۱۳۸۹). ***مهمان‌نامه بخارا***. به اهتمام منوچهر ستوده. تهران: علمی و فرهنگی.

۲۳. روملو، حسن‌بیگ. (۱۳۵۷). ***احسن التواریخ***. به‌کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.

۲۴. سجادی، صادق. (۱۳۶۷). «آستان قدس رضوی». ***دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی***. ج۱، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.

۲۵. سیدی، مهدی. (۱۳۷۸). ***تاریخ شهر مشهد***. تهران: جامی.

۲۶. شاردن، ژان. (۱۳۷۲). ***سفرنامه شاردن***. ج۵. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.

۲۷. شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸٦). «نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله‌مراتب نیازهای مازلو». ***مطالعات اسلام و روانشناسی.*** (شماره ۱)، ۱۱٦-۸۷.

۲۸. طلایی، زهرا. (۱۳۹۷). «سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام‌رضا(ع)». ***پژوهش‌های تاریخی.*** (شماره ۳۷)، ۱۵۲-۱۲۹.

۲۹. صفوی، طهماسب. (۱۳۴۳). ***تذکره شاه‌طهماسب.*** به اهتمام عبدالشکور. برلن: چاپخانه کاویانی و آفتاب.

۳۰. طهرانی، محمد شفیع. (۱۳۸۳). ***مرآت واردات.*** تصحیح منصور صفت‌گل. تهران: میراث مکتوب.

۳۱. عبدلی سلطان احمدی، جواد؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی مؤلفه‌های نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام در کتاب‌های درسی «دین و زندگی»». ***مطالعات اسلام و روانشناسی.*** (شماره ۱۲)، ۳٦-۷.

۳۲. عبدی‌بیگ شیرازی، خواجه زین‌العابدین علی. (۱۳٦۹). ***تکملة‌الاخبار.*** تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: نشر نی.

۳۳. غفاری‌قزوینی، قاضی احمد. (۱۳۴۳). ***تاریخ جهان‌آرا.*** اهتمام مجتبی مینوی. تهران: حافظ.

۳۴. قبادالحسینی، خورشاه. (۱۳۷۹). ***تاریخ ایلچی نظام شاه.*** تصحیح محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه‌دا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۳۵. قزوینی اصفهانی، محمد یوسف واله. (۱۳۷۲). ***خلد برین،*** تصحیح میرهاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

۳٦. مبارک، ابوالفضل. (۱۳۸۵). ***اکبرنامه: تاریخ گورکانیان هند.*** ج۱. به‌کوشش غلامرضا طباطبایی‌مجد. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۳۷. محقق‌سبزواری، محمد باقر. (۱۳۷۷). ***روضة الانوار عباسی.*** به‌کوشش اسماعیل چنگیزی اردهایی. تهران: میراث مکتوب.

۳۸. مستوفی، محمد محسن. (۱۳۷۵). ***زبده التواریخ.*** تصحیح بهروز گودرزی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

۳۹. مطهری، حمیدرضا؛ و سعید نجفی‌نژاد. (۱۳۹۸). «جایگاه حرم مطهر رضوی در سیاست مذهبی صفویان». ***فرهنگ رضوی.*** (شماره ۲٦)، ۳۵-۹.

۴۰. مکالا، سی. بی ین. (۱۳۷۸). ***بنیادهای علم تاریخ.*** ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.

۴۱. منشی‌قزوینی، بوداق. (۱۳۷۸). ***جواهرالاخبار.*** تصحیح محسن بهرام‌نژاد. تهران: میراث مکتوب.

۴۲. مولوی، عبدالحمید؛ و همکاران. (۱۳۸۸). «سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس رضوی». ترجمه رجبعلی یحیایی. ***وقف میراث جاویدان.*** (شماره ٦۵)، ۴۹-۳۲.

۴۳. میرجعفری، حسین. (۱۳۸۷). ***تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان.*** تهران: سمت.

۴۴. نادری، عزت‌الله؛ و مریم سیف‌نراقی. (۱۳۸۵). ***روش‌های تحقیق در علوم انسانی.*** تهران: بدر.

۴۵. ناشناس. (۱۳۷۰). ***عالم‌آرای شاه‌طهماسب.*** به‌کوشش ایرج افشار. تهران: دنیای کتاب.

۴٦. نقدی، رضا. (۱۳۹۰). «سادات موسوی مشهد و نقش آنان در اداره حرم مطهر امام رضا(ع)». ***مشکوه.*** (شماره ۱۱۳)، ۱۲۸-۱۰۹.

۴۷. نوایی، عبدالحسین؛ و عباسقلی غفاری‌فرد. (۱۳۸٦). ***تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران در دوران صفویه.*** تهران: سمت.

۴۸. نوایی، عبدالحسین. (۱۳۵۰). ***شاه‌طهماسب صفوی مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی.*** تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۴۹. هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۸۸). ***تاریخ روابط خارجی ایران.*** تهران: امیرکبیر.

50. Farhat, May. (2014). "Shi'i Piety and Dynastic Legitimacy: Mashhad under the Early Safavid Shah". ***Iranian Studies***. (vol 47), 201-216.